



سیدضیاءالدین طباطبائی و برخی کودکان چنان

## مروری بر نخستین روزهای کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی بامداد مه آلود کابینه سیاه

هدایت الله بهبودی [۱]  
نویسنده و تاریخ پژوه

برای پی بردن به شعارهای مردم پسندانه کودتاکنندگان، می توان به بیانیه سیدضیاءالدین طباطبائی نیز در هشتم اسفند ۱۲۹۹ نگاهی گذرا کرد. احمدشاه در چهارم اسفند حکم ریاست وزرایی سیدضیاء را که پیش از این شاید اسم او را شنیده بود، صادر کرد. می توان پذیرفت که اگر پادشاه در آن موقعیت اختیار بیشتری داشت، از گذاشتن امضای خود پای این حکم خودداری می کرد، اما «من / نورمن، وزیر مختار انگلیس» امروز [سوم اسفند] صبح شاه را دیدم و به او توصیه کردم که با رهبران نهضت رابطه ایجاد کند و به درخواست های آنها پاسخ مثبت دهد، زیرا این تنها کاری است که می توان کرد.» [۲]

اطلاعیه رئیس الوزراء که به همه نقاط کشور تلگرام شد [۳]، چون تیغی تیز زیر گلوئی حکومتگران گذشته گذاشته بود: «چند صد نفر اشراف و اعیان که زمام مهام مملکت را به ارث در دست گرفته بودند، مانند زالو خون ملت را مکیده، ضجه وی را بلند می ساختند و حیات سیاسی و اجتماعی وطن ما را به درجه ای فاسد و تباه نمودند که حتی وطن

پرست ترین عناصر... ایران را در میان خاک و خاکستر، سرنگون می دیدند... بالاخره روز واژگون شدن و انتقام فرارسید... هموطنان! لازم است عمارات متزلزل و لرزانی که مفت خواران در آن آشیانه نهاده اند، سرنگون گردد.» سیدضیاء نوشت: «اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است که مقدرات و سرنوشت ملت خود را در این موقع بحران و خطرناک در دست گرفته، وی را از آن پرنگاهی که حکومت های بی اراده و نالایق پرتاب کرده بودند، نجات بخشم.» [۴]

این بیانیه خالی از واژه ها و نمادهای سیاسی روز برخاسته از جهان نوظهور کمونیستی نبود: «لازم است قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان سنجیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد. برای حصول این مقصود، اولین اقدامی که باید به عمل آید تقسیم خالصجات و اراضی دولتی مابین دهقانان است، همین طور وضع قوانینی که زارع را از املاک اربابی بیشتر بهره مند سازد و در معاملات ارباب با دهقان تعدیلی شود و موجبات صحت و زندگانی آنان را تأمین کند.» [۵]

اما مهم ترین بخش در اطلاعیه سیدضیاء لغو قرارداد نظامی مالی

ایران و انگلیس بود. پیش از این گفته شد که همه مقامات انگلیسی ذی ربط، بر الغای صوری قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ تأکید کرده بودند و آن را مقدمه ایجاد تحولات بعدی در ایران، برای نگهداشت منافع منطقه ای دولت انگلیس می دانستند. سود آنی الغای قرارداد، اطمینان از عدم تهاجم نظامی روسیه بلشویک پس از خروج نظامیان انگلیس از شمال غربی ایران، بلکه بیرون شدن قوای روس از انزلی و پایان دادن به حمایت از کمونیست های حاکم بر گیلان بود. قرار بود لغو قرارداد، نه از طرف انگلیس، بلکه از سوی دولت مقتدری که در ایران تأسیس می شود، اعلام گردد؛ دولت مقتدری که توان گرفتن هر نفسی که بوی بلشویزم را بدهد، داشته باشد.

روزی پیش از صدور اطلاعیه هفتم اسفند، رئیس این دولت مقتدر، در سفارت انگلیس، محل تعیین قضا و قدر، رودروی نورمن، وزیر مختار آن دولت نشسته و در حال تشریح برنامه های خود بود. ناظران خارجی نوشته اند که سیدضیاء «هیچ چیز را پنهان نمی کند. اتومبیل اش در حالی که در حفاظت افراد سواره نظام قرار دارد، هر روز وارد باغ سفارت انگلیس می شود.» [۶]